



13 نوامبر 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

اقتصاد جنگ و بحران پولی و مالی افغانستان

از کودتای ثور تا سقوط طالبان

(بخش ششم)

فروپاشی طالبان – سرآغاز یک دوره جدید:

به هر اندازه که طالبان در افغانستان بیشتر مسلط شدند و قوه های مخالف را خلع سلاح و در خود مدغم کردند، به همان اندازه حرص شان برای حفظ قدرت زیادتر گردید و بر فشار نظامی خود افزودند. آنها چون ماهیت ایدئولوژیک نداشتند و فاقد دانش سیاسی لازم بودند، بسیار زود در دام گروه های دیوبندی پاکستان و زیر نفوذ عربها و سازمان القاعده مخصوصاً شخص اسامه بن لادن قرار گرفتند و در عین زمان روابط خاص را با مافیای قاچاق مواد مخدر و قاچاق مال التجاره پاکستان برقرار کردند. از اینجاست که تفکر سیاسی طالبان در مسائل بین المللی به سمت ضدیت با غرب و جامعه مدنی، ناسازگاری با اصول و نورمهای جهانی، پیوند با افراطیون ملیشانی اسلامی، پناه دادن به تروریستها، شراکت با قاچاقیان و تعصب و تنگ نظری خاص زیر نام اسلام کشانیده شد. عاقبت کار بجائی رسید که حامیان اول شان تدریجاً به دشمنان آخرشان تبدیل شدند و همانطوریکه در عروج آنها نقش بازی کردند، زمینه های سقوط شانرا نیز فراهم نمودند.

در سال 1377 (1998م) حوادثی رخ داد که روابط طالبان و امریکا را برهم زد و امیدی را که موجب دل بستگی امریکا به طالبان شده بود، به یأس مبدل کرد. امریکائی ها مکرر به طالبان هوشدار میدادند تا از پناه دادن و حمایت اسامه بن لادن که متهم به چندین عملیات تروریستی علیه امریکا و تهدید علنی امریکائی ها بمرگ بود، دوری جویند و موصوف را جهت محاکمه به امریکا بسپارند، ولی طالبان به این خطرها توجه و اعتنا نکردند. امریکا بتاريخ 6 جولای 1999 در برابر طالبان به وضع تعزیرات اقتصادی متوسل شد. بتاريخ 15 اکتوبر همان سال شورای امنیت ملل متحد نیز بار اول تعزیرات را بر طالبان نافذ ساخت و سال بعد بر وسعت ساحه و شدت اجرای آن افزود. (برای شرح مزید دیده شود: داکتر س.ع. کاظم: "وضع تعزیرات بر طالبان و معضله افغانستان"، اپریل 2001، چاپ کالیفرنیا، صفحه 53 تا 85)

بدون شک قدم بعدی، همانا اقدامات نظامی بود که برفحوای ماده 42 منشور ملل متحد علیه طالبان از طرف شورای امنیت باید به منصفه اجرا قرار می گرفت، ولی در اثر حادثه 11 سپتمبر 2001 اوضاع تغییر کرد. در این حادثه دو آسمان خراش بزرگ مرکز تجارت جهانی در نیویارک سقوط کردند و یک قسمت ساختمان وزارت دفاع امریکا پنتاگون ویران گردید و بر علاوه ملیاردها دالر خساره مالی، بیش از سه هزار انسان بیگناه در این تراژیدی جان دادند. این اولین بار بود که امریکا در داخل کشور با یک فاجعه مرگبار و یک عمل تروریستی مدهش و بزرگ مواجه می شد. وقوع این

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

حادثه مثل انفجار یک بمب اتمی در جهان پیچید و زنگهای خطر تروریسم را در همه جا صدا درآورد.

جارج بوش رئیس جمهور امریکا در همان روز حادثه اعلام کرد که امریکا مسئولین فاجعه و کسانی را که به این تروریستها پناه داده اند، به پای میز محاکمه خواهد کشانید. روز بعد وزیر خارجه امریکا مسئولیت حادثه را بدوش سازمان القاعده و درراس آن اسامه بن لادن انداخت و از طالبان بار دیگر تقاضا کرد تا اسامه را جهت محاکمه به امریکا بسپارند. طالبان مثل گذشته به این تقاضا وقعی نگذاشتند و داستان همیشگی خود را تکرار کردند، اما مقامات امریکائی این بار جدی و مصمم بودند و از همان روز های اول موضوع حمله نظامی برافغانستان را به منظور فروپاشی سازمان القاعده و سقوط رژیم طالبان در نظر داشتند. امریکائی ها نخست کوشیدند تا مبارزه علیه تروریسم را وجه جهانی دهند و حمایت و اشتراک مساعی کشورهای جهان را در این مورد حاصل کنند که به سهولت و سرعت به آن دست یافتند. شورای امنیت ملل متحد نیز با اقدام امریکا علیه تروریسم هم صدا شد و بزودی جبهه ضد تروریسم در جهان وسعت پیدا کرد.

امریکا با جلب توافق بعضی کشورهای منطقه و همکاری پاکستان و ازبکستان بتاريخ 7 اکتوبر 2001 اولین حمله نظامی خود را از طریق هوا در ساحات تحت تسلط طالبان در افغانستان آغاز کرد. وضع متشنج و پیچیده سیاسی پاکستان و شدت عکس العمل های افراطیون اسلامی آنجا بر علیه حملات امریکا در افغانستان، خطر برهم خوردن اوضاع و احتمال ایجاد نا آرامی ها را در آن کشور می افزود. لذا امریکا نخواست با این حالت، حملات را از طریق پاکستان از جنوب افغانستان آغاز کند، بلکه ترجیح داد با ازبکستان به تماس شود و حملات را از طریق آنکشور از شمال با دستیاری مستقیم قوه های ضد طالبان در افغانستان یعنی جناحهای مختلف مشهور به "جبهه متحد شمال" شروع کند.

قوای هوائی امریکا در قدم اول عملیات خود را بر فروپاشی کامل قوای هوائی طالبان متمرکز ساخت و سپس مراکز تجمع قوتهای طالبان و القاعده را در شمال کشور زیر آتش گرفت. در اینجا نیروهای پراکنده جبهه متحد شمال با استفاده از مساعدت اوضاع و حمایت مستقیم امریکا رو به پیشرفت گذاشتند و قدم بقدم با شکست و عقب نشینی قوای طالبان، اراضی از دست رفته آنها را متصرف شدند. تا آنکه بتاريخ 9 نوامبر 2001 شهر مزار شریف سقوط کرد و بعد از آن اکثر ولایات شمال از تصرف طالبان خارج گردیدند و آن ساحات به تصرف قوای جبهه متحد شمال درآمد. بتاريخ 12 نوامبر طالبان بطور غیر مترقب شهر کابل را ترک کردند، عده ای بسوی قندهار رفتند و عده ای دیگر پابفرار گذاشتند. در این موقع قوای جبهه متحد (شاخه شورای نظار) بدون مقاومت و مشکل به کابل وارد شدند و بساط حکومت خود را در آن شهر بعد از تقریباً پنج سال گریز بار دیگر در کابل هموار کردند. در مدت کمتر از دو ماه در اثر عملیات هوائی و قسماً زمینی امریکا، رژیم طالبان در افغانستان از هم پاشید و قوای القاعده نیز پراکنده شد و اما بعضی مقاومت ها ی محلی بخصوص در حواشی ولایات قندهار، هلمند، اورزگان و پکتیا جریان داشت. امریکائی ها از ورود قوای جبهه متحد، خاصاً قوای مسعود در کابل راضی نبودند، اما در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفتند و سعی کردند به کمک ملل متحد و بعضی کشورهای اروپائی و با جلب تفاهم کشورهای همسایه در چارچوب فورمول (6+2) هر چه زودتر یک کنفرانس بین الافغانی را بایک ترکیب خاص و مطلوب خود دائر نمایند تا در مورد سرنوشت افغانستان و تشکیل یک حکومت مؤقت تصمیم اتخاذ دارند، این کنفرانس

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

به اشتراک نمایندگان چهار گروه سیاسی افغان بتاريخ 21 نوامبر 2001 در شهر بن جمهوری اتحادی آلمان دائر شد که منتج با امضای یک موافقتنامه گردید.

موافقتنامه بن و تشکیل حکومت موقت:

موضوع ایجاد یک بدیل بجای طالبان از 1998 بدینسو سابقه چند ساله دارد، ولی برای اجرای آن قبل از حادثه 11 سپتمبر 2001 ضرورت عاجل احساس نمی شد. بعد از حادثه مذکور که امریکا مصمم به سقوط فوری طالبان گردید و عملیات نظامی را براه انداخت، جهت پرکردن خلای قدرت ناشی از سقوط کابل بدست قوای جبهه شمال و به منظور رفع نگرانیهای بین المللی در این زمینه، رو بسوی ملل متحد آورد و بر نقش آن مؤسسه در حل این مشکل و ایجاد یک بدیل مورد قبول و ممد با سیاست آنکشور در افغانستان تأکید کرد. آقای لخر ابراهیمی - نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان که مدتی خود را از مسائل دور گرفته بود، دوباره وارد صحنه فعالیت گردید. اولین قدم همانا تدویر اجلاس مورخ اول اکتوبر 2001 در روم در منزل شخصی پادشاه سابق بود. در این مجلس طرفین روم و نمایندگان جبهه متحد به تفاهم رسیدند که در مورد تدویر لویه جرگه اضطراری با امتیاز مساوی (60 نفر از هر طرف) اقدام نمایند تا بدینوسیله یک بدیل ائتلافی (روم و جبهه متحد) را بجای طالبان به وجود آورند.

موضوع وقتی جدی گردید که طالبان بتاريخ 12 نوامبر بطور غیرمترقب کابل را ترک کردند و قوای جبهه متحد به آن شهر وارد شدند. بروز 13 نوامبر ابراهیمی یک پلان پنج فقره ای را که شباهت بسیار به پلان سه فقره ای پادشاه سابق داشت، به شورای امنیت ملل متحد ارائه کرد و بر طبق آن خواهان تشکیل یک حکومت با قاعده وسیع و متشکل از اقوام مختلف در افغانستان گردید. بعد از آنکه پلان مذکور به تائید شورای امنیت رسید، ابراهیمی بر طبق آن از چارگروه سیاسی افغان دعوت کرد در یک کنفرانس در شهر بن جمهوری اتحادی آلمان اشتراک نمایند و راجع به ایجاد یک بدیل تصمیم گیرند. درباره ترکیب جناح های سیاسی شامل کنفرانس باید خاطر نشان کرد که این ترکیب اساساً متشکل از دو جناح اصلی یعنی روم و جبهه متحد و دو جناح فرعی مسمی به قبرس و مجمع صلح و وحدت ملی بود که دو جناح فرعی بیشتر برای جلب خاطر ایران و پاکستان به دو جناح اصلی علاوه گردیدند. از جبهه شمال 12 نماینده از روم 6 نماینده از قبرس 3 نماینده و از مجمع صلح 3 نماینده رسمی در کنفرانس معرفی شدند (البته یک تعداد نمایندگان غیر رسمی به حیث مشاورین در هر حلقه نیز در کنفرانس اشتراک داشتند که تعداد شان به 37 نفر میرسید).

اجندای این کنفرانس که از تاریخ 21 نوامبر آغاز و بطور تشدید الی تاریخ 5 سپتمبر 2001 در شهر بن جمهوری اتحادی آلمان ادامه یافت، قبلاً توسط ابراهیمی و به همکاری زلمی خلیلزاد و گروه مربوطه تهیه گردیده بود و بانظارت و وساطت آنها بشکل سیستماتیک طوری پیشبرده شد که اشتراک کنندگان مجبور شدند اختلافات ذات البینی را (عجالتاً) کنار گذارند و در تشکیل یک اداره موقت شش ماهه و متعاقباً یک اداره انتقالی دوساله بعد از جر و بحث های زیاد بخصوص در مورد تقسیم کرسی های کابینه به توافق برسند. در اثر این تفاهم متن یک موافقتنامه که قبلاً به زبان انگلیسی تهیه شده بود، بتاريخ 5 دسمبر 2001 از طرف رؤسای هیئت های مربوطه در شهر بن به امضا رسید. به موجب این موافقتنامه که آغاز یک دوره جدید در افغانستان محسوب میشود، فیصله بعمل آمد تا:

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

- 1- یک اداره مؤقت که متشکل از یک حکومت مؤقت یک کمیسیون مستقل برای تدویر لویه جرگه اضطراری و یک ستره محکمه است، در افغانستان به وجود آید،
 - 2- حکومت مؤقت که در راس آن یک رئیس قرار دارد، متشکل از پنج معاون و 24 وزیر خواهد بود که از طرف همین مجلس تعیین خواهد شد،
 - 3- حکومت مؤقت بتاريخ 22 دسمبر 2001 زمام امور را از رژیم قبلی بدست خواهد گرفت و تا شش ماه بکار دوام خواهد داد،
 - 4- به مجرد انتقال رسمی قدرت به اداره مؤقت، قوای مسلح افغان و گروه های مسلح در کشور تحت فرمان و کنترل این اداره قرار خواهند گرفت و برطبق مقتضیات جاری امنیتی قوای مسلح دوباره تنظیم خواهد شد،
 - 5- اداره مؤقت با جامعه بین المللی در راه مبارزه علیه تروریسم، تولید و قاچاق مواد مخدر و جنایات سازمان شده همکاری خواهد کرد و متعهد می باشد تا به قوانین بین المللی احترام گذارد و با کشورهای همسایه و باقی اعضای جامعه بین المللی مناسبات صلح آمیز و دوستانه برقرار کند،
 - 6- کمیسیون 21 نفری مستقل برای تدویر لویه جرگه اضطراری که اعضای آن به پیشنهاد افغانها و تائید ملل متحد تا 22 جنوری 2002 تعیین خواهد شد، مکلف است الی دوماه بعد از آغاز کار، طرز العمل تدویر لویه جرگه را با جزئیات آن ترتیب و اعلام دارد و در ختم مدت کار شش ماهه حکومت مؤقت لویه جرگه اضطراری را دائر نماید،
 - 7- لویه جرگه اضطراری یک اداره انتقالی را برای مدت جمعا دو سال تعیین میکند که در راس آن رئیس دولت قرار خواهد داشت و این اداره مکلف است مسوده قانون اساسی را توسط یک کمیسیون مخصوص تهیه نماید و الی یک ونیم سال با تدویر لویه جرگه عنعنوی آنرا تصویب و با انفاذ آن در ایجاد یک حکومت انتخابی برای افغانستان اقدام کند،
 - 8 - با رویکار آمدن حکومت انتخابی بعد از دو سال فوق، اداره انتقالی جای خود را به حکومت انتخابی سپرده و خود منحل میشود و دوره عادی در افغانستان آغاز می یابد،
 - 9 - چوکات قانونی اجراءات در این مدت بر مبنای قانون اساسی سال 1964 استوار خواهد بود، البته با انصراف از موادیکه مغایر به روحیه این موافقتنامه باشد.
- موافقتنامه بر علاوه متن عمومی دارای چهار ضمیمه بود: ضمیمه اول مربوط به قوای امنیتی بین المللی، ضمیمه دوم درباره نقش ملل متحد، ضمیمه سوم راجع به توقعات اعضای افغانی مجلس از سازمان ملل متحد و ضمیمه چهارم مشتمل بر اسامی رئیس حکومت معاونین و اعضای 24 نفری کابینه که همه از طرف اعضای افغانی مجلس بن البته با جار و جنجال زیاد تعیین گردیدند. در راس حکومت مؤقت بنابر توصیه و حمایت مقامات امریکائی حامد کرزی منسوب به گروپ روم به حیث رئیس حکومت برگزیده شد.
- باید خاطر نشان کرد که داکتر عبدالستار سیرت (رئیس هیئت نمایندگی روم) که کاندید دیگر این مقام بود، با وجود حمایت اکثریت قاطع اعضای مجلس روی دلائلی از موقف خود به نفع کرزی گذشت. صحبت های بعدی داکتر سیرت می رساند که این گذشت او کمتر رضا کارانه، بلکه بیشتر مبتنی بر درک موضوعی بود که امریکائی ها اساساً در نظر داشتند یک شخصیت مورد اعتماد خود را که منسوب بیکی از اقوام پشتون افغانستان باشد، به ریاست حکومت مؤقت بگمارند. طور معلوم آنها قبلاً قوماندان عبدالحق قوماندان معروف جهادی از ننگرهار و حامد کرزی از قندهار را برای این مقام در نظر گرفته بودند، چنانچه این دوشخصیت چند روز بعد از آغاز حمله قوای امریکائی بر طالبان

د پانوی شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

بصورت غیرمترقب بداخل افغانستان اعزام شدند و کوشیدند در اوانلدرمقابل قوای نیمه متلاشی شده طالبان یکی در ننگرهار و دیگری در ارزگان به حمایت امریکائی ها داخل فعالیت شوند. قوماندان عبدالحق در اثر بی احتیاطی خودش و نرسیدن کمک به موقع از جانب امریکائی ها بدام طالبان افتاد و شهید شد و حامد کرزی نیز که هیچگاه تجربه قوماندانی جبهه و امور نظامی را نداشت، قریب بود به سرنوشت عبدالحق گرفتار شود، ولی بخت با او یاری کرد و توسط امریکائی ها نجات یافت.

برطبق موافقتنامه بن بتاریخ 22 دسمبر 2001 مراسم رسمی انتقال قدرت از رژیم ربانی که چند هفته قبل مجدداً به کابل دست یافته بود، به حکومت مؤقت تحت ریاست حامد کرزی در کابل برگزار شد و حکومت جدید شروع بکار کرد.

ریفورم (اصلاحات) پولی سال 2002 - 2003:

اواسط جنوری 2002 یعنی فقط سه هفته بعد از تشکیل حکومت مؤقت - اولین موضوعی که مطرح بحث گردید، همانا لزوم فوری موضوع ریفورم پولی بود، زیرا هنگام حمله امریکا و سقوط طالبان تبادل یک دالر به 73000 افغانی در بازار اسعار کابل رسیده بود و نرخ تبادل با نوتهای دوستم تقریباً به دو چند نرخ کابل بالغ می شد. به این اساس برای بلند بردن اعتماد مردم به پول افغانی و ایجاد یک تحول امید بخش برای آینده و درعین زمان برای رهائی از پولهای بی ارزشی که مقدار در دوران آن قطعاً معلوم نبود، تصمیم گرفته شد تا هرچه زودتر با استفاده از تجارب دیگر کشورهای "جنگزده" از جمله کمبودیا، البانیه، رومندا، بوسنیا و هرسه گوینا، سیرالیون، کاسوو و تیمورشرقی که بیشتر آنها در طول سالهای دهه 90 قرن بیست دچار عین مشکلات بودند، در افغانستان نیز برای رفع معضله پولی اقدامات عملی تقریباً مشابه صورت گیرد.

در تعیینات اعضای کابینه در کنفرانس بن هدایت امین ارسال به حیث سرپرست وزارت مالیه و داکتر انوارالحق احدی به حیث سرپرست بانک مرکزی "دافغانستان بانک" گماشته شدند و این دو مرجع از طرف حکومت مؤقت به حیث مسئولان اصلاحات پولی در افغانستان وظیفه گرفتند تا مقدمات اینکار را فراهم سازند. (بعد از ماه می 2003 داکتر اشرف غنی به حیث وزیر مالیه و عبدالقادر فطرت در راس دافغانستان بانک قرار گرفتند). ملل متحد در این راستا نقش عمده داشت و مؤسسات دیگر از قبیل صندوق وجهی IMF، بانک جهانی، بانکهای انکشافی منطقوی و دیگر دونرها مثل مؤسسه امداد انکشافی امریکا USAID و مؤسسه انکشافی انگلستان DFID و دیگران برای تهیه کمکهای تخنیکی و فراهم آوری زمینه های عملی برای اینکار نیز ابراز آمادگی کردند.

در اواخر جنوری 2002 هیئت صندوق وجهی برای بار اول با مسئولان امورمالی و پولی افغانستان از جمله: وزارت مالیه، بانک مرکزی "دافغانستان بانک"، و شش بانک دولتی آن کشور (سه بانک تجارتي: بانک ملی افغان، بانک انکشاف صادرات و پشتنی تجارتي بانک؛ و سه بانک اختصاصی انکشافی: بانک انکشاف زراعتی، بانک رهنی و تعمیراتی و بانک انکشاف صنعتی) مذاکرات مقدماتی را آغاز نمود. بزودی آشکار گردید که هیچیک از این مؤسسات پولی و مالی در واقع از چندین سال بدینسو بطور لازم فعالیت نداشته و حتی فعالیت های شان در اثر انفلاسیون سرسام آور، سقوط ارزش تبادلوی افغانی در برابر اسعار خارجی و فعالیت های ناشی از اقتصاد غیر قانونی و مافیائی که معاملات بطور نقده و یا بوسیله "حواله" انجام می یافت، به سکتگی جدی مواجه بوده و فعالیت بعضی از آنها عملاً متوقف گردیده بود. فقدان ارقام و احصائیه های لازم در

مسائل پولی و بانکی به حدی بود که اغلب این بانکها به شمول دافغانستان بانک نظر به دلائل فوق نتوانسته بودند تا بیلانس معموله معاملات خود از سال 1997 به بعد تهیه نمایند و معاملات شان در طی آن مدت مورد بررسی حسابی قرار نگرفته بود. واضح است که اکثر این بانکها در طول جنگها و حوادث ناگوار دیگر قسمت اعظم دارائی های خود را از دست داده بودند. مشکل دیگر در فقدان اشخاص مسلکی در ادارت این بانکها بخصوص در دوره طالبان بود که در راس هر مؤسسه یک ملا قرار داشت و او از اقتصاد و مسائل پولی و مالی هیچ نمیدانست. به همین دلائل تا ماه می 2003 اوضاع عملاً کمتر تغییر کرد و انتقالات پولی بوسیله صرافهای انفرادی از طریق حواله در داخل و خارج کشور صورت می گرفت و نرخ تبادل افغانی با اسعار خارجی نیز با تابعیت از نرخ بازار آزاد در سرای شهزاده (مرکز صرافان بزرگ اسعار در کابل) تعیین میگردید، ولی مباحثات هیئت صندوق وجهی بین المللی در امور مربوط به پول و بانکداری با مسئولان افغانی در طول سال 2002 ادامه داشت.

در اواسط سال 2002 مؤسسه کمکهای انکشافی ایالات متحده امریکا حمایت جدی خود را به دافغانستان بانک و وزارت مالیه آغاز کرد که به تعقیب آن بانک جهانی، بانک انکشاف آسیائی و دونهای دیگر و همچنان کشورهای هند، ایران و بعضی کشورهای اروپائی به شمول جرمنی و سویدن حمایت و کمک های تخنیکی خود را برای پیاده ساختن اصلاحات پولی در افغانستان عملاً شروع کردند. حکومت مؤقت افغانستان از همان اول اعلام کرده بود که میخواهد نام واحد پولی "افغانی" را به حیث پول ملی کشور کما فی السابق حفظ کند، اما مشکل در آن بود که در آنوقت سه نوع بانکوت افغانی در افغانستان در دوران بود که دو نوع آن برطبق مقررات پولی نشر نشده بودند و لذا دریافت مقدار مجموعی پول در دوران کشور یک معما بود که باید در قدم اول حل می شد تا با در نظر داشت آن پول جدید نشر و قابلیت تبادل را در یک وقت معین با پول موجود می داشت.

حکومت افغانستان با همکاری و مشوره مؤسسات بین المللی تصمیم گرفت تا با کم کردن سه صفر از روی بانکوت های قدیمی، بانکوت های جدید افغانی را به چاپ برساند - به عبارت دیگر یک بانکوتی که مبلغ 10000 افغانی به روی آن نوشته شده بود، با حذف سه صفر معادل 10 افغانی بانکوت جدید حساب شده و در برابر هم تبادل میشدند. اما قبل از آن باید تثبیت میگردید که چگونه در مدت مشخص همه بانکوت های قدیمی با بانکوت های جدید تبادل و پولهای قبلی از دوران خارج و پولهای جدید جای آنها بگیرد؟ برای انجام اینکار لازم بود نخست شعب بانکی در اطراف کشور در شهرهای بزرگ و کوچک فعال میگردید تا عملیه تعویض پول جدید را با پول قبلی در مدت معین بطور مکمل انجام میداد. اینکار در آنوقت ساده نبود، زیرا شعب بانکها در ولایات مختلف اغلب غیرفعال و بسیاری آنها بطور خصوصی زیر نظر ادارات محلی و نسبتاً مستقل عمل میکردند. همچنان در مورد ایجاد روابط بانکی با بانکهای خارج و ابراز آمادگی آنها برای قبولی معاملات تجارتی با بانکهای افغانی که در اثر بی اعتبار شدن پیهم پول افغانی از هم گسیخته بود، باید در عین زمان اقدام میگردید و زمینه همکاری با بانکهای بیرونی فراهم میشد. اینکار نیز موفقانه پیش رفت.

(برای مزید معلومات در باره ریفرم پولی جدید افغانستان به مأخذ ذیل مراجعه شود: ایکی لوونبرگ - مشاور ارشد دیپارتمنت سیستم های پولی و مالی صندوق وجهی بین المللی، تحت عنوان: "ایجاد یک سیستم مالی در افغانستان"، مورخ 29 می 2003، به زبان انگلیسی در 21 صفحه: "Building a Financial System in Afghanistan"

Prepared by: Aeke Loennberg, Senior Economist Monetary and Financial Systems Department
International Monetary Fund, May 29.2003

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

در اینجا باید اعتراف کرد که عملی ساختن همچو ریفورم به تنهایی بوسیله دولت افغانستان ناممکن بود و اگر مساعدت شرایط سیاسی و اقتصادی جهانی در آنوقت شامل حال افغانستان نمی بود و فضای مساعد بین المللی ایجاد نمیگردید، تطبیق موفقانه این ریفورم بعید به نظر میرسید.

به تاسی از این ریفورم، بانکوت های جدید 1، 2، 5، 10، 20، 50، 100، 500 و 1000 افغانیگی جدید قبل از ماه اکتوبر 2002 طبع و جریان تبادل آن با بانکوت های قبلی از تاریخ 7 اکتوبر 2002 آغاز و تا 2 جنور 2003 موفقانه به پایان رسید. دارندگان بانکوت های قبلی مکلف بودند تا پولهای دست داشته خود را در مراکز رسمی الی تاریخ 2 جنوری 2003 تبادل نمایند، در غیر آن قابلیت چلند را از دست میدادند. به اساس همین ریفورم نرخ جدید تبادل افغانی با اسعار خارجی نیز در مارکیت اسعار تثبیت گردید که در دوسال اول از اینقرار بود: در سال 1381 (2002م) یک دالر امریکائی - خرید 48.22 افغانی، فروش 48.47 افغانی، در سال 1382 (2003م) - خرید 49.25 افغانی، فروش 49.37 افغانی و به همین منوال نرخ تبادل با دالر تا سال 2013 در حوالی همین مبلغ (البته با تزئید کم) قرار داشت، اما بعد از آنکه در سال مذکور حکومت امریکا خروج بیشترین عساکر خود را از افغانستان آغاز کرد، این نرخ تبادل تدریجاً بلند رفت تا آنکه اکنون یک دالر امریکائی به تقریباً 68.50 افغانی تبادل میشود.

راجع به وضع جاری و دورنمای آینده اقتصاد کشور و مسائل پولی بخصوص ماهیت نرخ تبادل افغانی با اسعار خارجی در بخش هفتم که آخرین بخش این سلسله خواهد بود، مطالبی به حیث حسن ختام تقدیم میگردد.

(ادامه دارد)